

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانهترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما می توانید با مراجعه به [GOOGLE PLAY](#) و [APP STORE](#) نرم افزار SKYTRAVELS را دانلود نمایید.



020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af

1515

فاجعه در کابل؛ رئیس جمهور به حج عمره رفت

صفحه ۲

جبران مافات
با حج عمره

صفحه ۲

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

Facebook.com/flyariana
ariana.afghan.ariana
twitter.com/flyARIANAafghan
youtube.com/user/flyariana

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com

	ISTANBUL		JEDDAH		HERAT
	DUBAI		DELHI		KANDAHAR
	ANKARA		MOSCOW		

با سیمکارت تاپ پیشرفت کنید



افغانی

تماس به هر شماره در افغانستان

- ✓ 1 افغانی فی دقیقه از افغان بیسیم به افغان بیسیم
- ✓ 1 افغانی در هر ۳۰ ثانیه به سایر شبکه ها
- ✓ بدون فیس روزانه

مدت این پیشکش
الی ۱۴ اسد





شنبه

۱۲ سرطان

۱۳۹۵

سال پنجم

شماره ۱۰۹۹



یادداشت روز

جبران مافات با حج عمره

اروان حامل فارغان مرکز آموزشی پولیس میدان وردک در ناحیه‌ی پنجم شهر کابل مورد حمله‌ی انتحاری قرار گرفت. آمار رسمی: ۳۲ سرباز و یک فرد ملکی جان باختند، ۵۰ تن دیگر هم زخمی شدند. این حادثه مرگبار بود، شهر و شهروندان کابل در وحشت فرو رفتند. مردم با این نوع فجایع بیگانه نیستند اما این حمله پس از رویداد غم‌انگیزی که در ریاست رجال برجسته صورت گرفت، دومین رویداد مرگباری به‌حساب می‌رود که در مدتی کمتر از سه ماه، آن‌هم در کابل، رخ داده است. مرگ ده‌ها سرباز، آن‌هم در چند کیلومتری ارگ ریاست‌جمهوری تکان‌دهنده است. واکنش‌های رسمی نسبت به مرگ ده‌ها سرباز اما جای تأمل دارد.

انفجار و انتحار بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره‌ی مردم شده است. مردم وحشت‌زده می شوند، رسانه‌ها گزارش می‌دهند و حکومت همچنان خون‌سرد و کرخت است. واکنش مقامات رسمی به این حادثه، مثل هزاران فاجعه‌ی دیگری که در چهارگوشه‌ی این خاک صورت می‌گیرد، این‌گونه بود. رییس حکومت وحدت ملی که کرسی سرقوماندانی اعلا‌ی قوای مسلح را به همه گوش‌زد می‌کند این حمله را «جنایت علیه بشریت» دانست و به وزارت داخله دستور داد تا چگونگی تصمیم انتقال فارغان مرکز مذکور را بررسی کند و در صورت هر گونه سهل‌انگاری اقدامات تعقیبی را روی دست بگیرد. آقای اشرف غنی، مرگ ده‌ها سرباز کشور را شکست طالبان در میدان نبرد تلقی کرد و گفت طالبان با این جنایت، بی‌رحمی خویش را بیشتر از پیش به نمایش گذاشته‌اند. غنی از علما و مردم خواست تا در نماز جمعه برای قربانیان این حادثه دعا کنند و صدای‌شان را علیه جنایات ضدبشری تروریستان وحشی از طریق منابر و مساجد بلند نمایند.

پیام رییس اجراییه نیز حاوی تسلیت و دعا بود.

پیام سران حکومت وحدت ملی ناامیدکننده بود. چرا؟ چون، فاجعه رخ داد و ده‌ها سرباز شهید شدند، نه به‌خاطر تعقل و تعهد حکومت، بلکه در نتیجه‌ی یک «سهل‌انگاری» تمام‌عیار. ناامیدکننده بود چون آقای غنی، اوج نمایش قدرت دشمن را نمادی از شکست او می‌داند. این چه نوع شکست است که دشمن با کشتن ده‌ها سرباز، حریفش را زمین‌گیر می‌کند؟ «میدان نبرد»ی که غنی از آن سخن می‌گوید کجاست؟ صحرای آفریقا؟ کره‌ی مریخ؟… کمپنی، پل محمودخان، شاه شهید و سرک دارالامان میدان‌های نبرد طالبان‌اند. طالبان سال‌هاست که در همین کوچه‌ها، در خیابان‌ها و در شهرها علیه دولت می‌جنگند. در واقع، تاکتیک نظامی طالبان همین‌گونه است. طالبان در فضا یا در گوشه‌ی متروکه‌یی از کره‌ی زمین نمی‌جنگند، آن‌ها در همین نزدیکی‌ها، در چند قدمی و در پشت دیوارهای ارگ ریاست‌جمهوری می‌جنگند. با این‌وصف، انتقال ده‌ها سرباز بدون کمترین آمادگی در مرگبارترین جاده، غیر از سهل‌انگاری چیزی دیگری می‌تواند بود آیا؟ مهم‌تر از همه، در چنین یک وضعیتی، با توجه به این‌که آقای غنی بارها گفته است طالبانی که چنین حملاتی را انجام می‌دهند هیچ نسبتی با اسلام و قرآن ندارند، چرا به علما، منبر و مسجد و نماز جماعت پناه می‌برد؟ طالبان نسبتی با اسلام داشته باشد یا نه، این شیوه را برگزیده‌اند. آیا روش مقابله با گروهی که چشم از دین و پیامبر گرفته‌اند، برگزاری دعا و نماز کارساز است؟ وقتی مدیریت ضعیف باشد، با دشمن مماشات صورت بگیرد، قوماندان امنیه‌ی میدان وردک سرشناس‌ترین چهره‌ی نظامی طالبان را با موتر پولیس انتقال دهد، دعا و نماز چگونه می‌تواند جلو موترهای مملو از مواد منفجره را بگیرد؟ اگر علما، منبر و مسجد، دعا و تسلیت امنیت را تأمین می‌کند این‌همه جنرال، امکانات هوایی و زمینی که در اختیار اردو و پولیس است به چه کار آید؟

فردای این فاجعه، سرقوماندان کل قوا، کابل را به مقصد حج عمره ترک کرد. گویا می‌خواهد این ویرانی و تباهی عظیم را با حج عمره جبران کند. در چنین شرایطی، با رویکردی که رییس حکومت در پیش گرفته، بخت با مردم یار است که تا هنوز، هرچند به سختی نفس می‌کشند، اما زنده‌اند.

فاجعه در کابل؛

رییس‌جمهور به حج عمره رفت

اطلاعات روز: وزارت داخله با نشر جزئیات تازه در مورد رویداد روز پنج‌شنبه، می‌گوید که در دو حمله‌ی انتحاری بر کاروان بس‌های حامل سربازان پولیس میدان وردک در کابل، ۳۲ سرباز پولیس کشته و ۷۹ تن دیگر زخمی شده‌اند.

یک روز پس از این رویداد خونین و مرگبار در کابل، رییس‌جمهور غنی به‌منظور ادای حج عمره به عربستان رفت. ارگ ریاست‌جمهوری معلومات نداده که آقای غنی در جریان این سفر با مقام‌های عربستانی دیدار می‌کند یا خیر.

در اعلامیه‌ی دوم وزارت داخله که روز جمعه در مورد جزئیات این رویداد به نشر رسیده، آمده است که نخست یک فرد انتحاری پیاده خود را در نزدیکی کاروان نیروهای پولیس منفجر کرده و سپس انتحارکننده‌ی دیگر، خود و موتر مملو از مواد منفجره‌ی همراهش را منفجر کرده است. به گفته‌ی وزارت داخله، در این حمله یک غیرنظامی کشته و یک غیرنظامی دیگر زخمی شده‌است.

خبرنامه افزوده که وزیر داخله، دستور داده تا دو کمسیون ویژه چگونگی وقوع این رویداد تروریستی و روند کمک‌رسانی به خانواده‌های شهدا و زخمیان را بررسی کند. در خبرنامه آمده: «طبق هدایت وزیر امور داخله، یکی از کمسیون‌ها وظیفه دارد تا با جدیت در مورد حادثه‌ی تروریستی (روز پنج‌شنبه) تحقیق نموده و جزئیات کامل آن را در اختیار رهبری وزارت قرار داده و همزمان راه‌کارهای بهتری را برای جلوگیری از وقوع رویدادهای مشابه در آینده پیشنهاد نماید.»

حوالی ساعت ۱۲ روز پنج‌شنبه کاروان حامل سربازان تازه فارغ‌شده از یک دوره‌ی آموزشی دوماهه که از ولایت میدان وردک وارد شهر کابل شده بود، در منطقه‌ی قلعه‌ی حیدرخان در کمپنی، حوزه‌ی پنجم پولیس، هدف دو حمله‌ی انتحاری قرار گرفت.

از این حمله در نوع خود مرگبارترین حمله بر نیروهای پولیس ملی در چند سال اخیر یاد شده است.

هرچند مقام‌های حکومتی می‌گویند که این حمله ناشی

درگیری شدید میان طالبان و نیروهای امنیتی

در جلریز میدان ورک

اطلاعات روز: مقام‌های محلی و امنیتی ولایت میدان ورک می‌گویند که پنج‌شنبه‌شب طالبان در ولسوالی جلریز این ولایت بر مواضع دولتی حمله کردند که باعث درگیری شدید میان دو طرف تا حوالی بعد از ظهر جمعه شد.

به گفته‌ی این مقام‌ها، هرچند روز جمعه حمله‌ی طالبان پس از نبرد شدید و رسیدن نیروهای کمکی عقب زده شده است، اما نگرانی از تشدید حملات طالبان در شب‌های آینده وجود دارد.

زوندی گل زمانی، والی میدان وردک حوالی بعد از ظهر دیروز به رسانه‌ها گفت که نیروهای امنیت ملی نیز برای عقب زدن حملات مخالفان به محل نبرد رفته‌اند. آقای زمانی افزوده که شمار تلفات دو طرف در این جنگ تاهنوز مشخص نیست.

در همین حال عبدالرحمن منگل، سخن‌گوی والی میدان

مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری افتتاح شد

اطلاعات روز: مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری با حضور مقام‌های بلندپایه‌ی کشور رسماً افتتاح شد. رییس‌جمهور و رییس اجراییه‌ی حکومت روز پنج‌شنبه در مراسم گشایش این مرکز گفتند که قانون در این مرکز بر همه‌ی مقام‌های دولتی اعمال خواهد شد و این نهاد به‌هیچ عنوان سیاسی عمل نخواهد کرد.

رییس‌جمهور از مسئولان مرکز عدلی و قضایی خواست که به قوانین اتکا داشته باشند و دقت و سرعت عمل را در نظر بگیرند. آقای غنی افزود که به دقت قضایا را پیگیری کنند تا افراد آلوده و غیر آلوده با فساد، تفکیک شوند.

غنی افزود که این مرکز باید در اجراءات خود قاطعیت داشته باشد و فیصله‌های آن بدون در نظرداشت موقف اشخاص صورت گیرد.

عبدالله عبدالله، رییس‌اجراییه نیز گفت که مرکز عدلی و قضایی مبارزه با فساد اداری به‌منظور اهداف سیاسی ایجاد نشده و ما مجال استفاده‌ی سیاسی از آن را نمی‌دهیم. عبدالله افزود که اصلاحات در سیستم عدلی و قضایی کشور آغاز شده است و در مطابقت با قانون تطبیق می‌شود.

فرید حمیدی، دادستان کل به مردم کشور اطمینان داده گفت که بعد از این دستان و سهم مأمورین دولتی را از جیب مردم افغانستان کوتاه می‌کنیم.

آقای حمیدی افزود که با ایجاد این مرکز، عدالت تأمین

هفته‌ی مرگبار برای داعش در

ننگرهار؛ ۲۲۵ جنگجوی داعش

کشته‌شده‌اند

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت ننگرهار می‌گویند که در جریان هفته‌ی گذشته در درگیری میان نیروهای امنیتی با جنگجویان گروه داعش در ولسوالی کوت این ولایت، ۲۲۵ داعشی کشته و ۹۴ تن دیگر زخمی شده‌اند.

دفتر مطبوعات ولایت ننگرهار روز جمعه با نشر خبرنامه‌یی گفت، این جنگجویان داعش در جریان عملیات زمینی و هوایی نیروهای امنیتی افغانستان کشته شده‌اند که در میان کشته‌شده‌ها شماری از افراد مهم این گروه نیز حضور دارند.

خبرنامه افزوده که در جریان عملیات اخیر در ولسوالی کوت در سه روستای بزرگ ۴۵ قریه به‌صورت کامل از وجود داعش پاکسازی شده است.

همچنان در جریان این عملیات ۲۰ تن نظامی و غیرنظامی کشته و ۲۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

عملیات هوایی و زمینی نیروهای امنیتی افغانستان در ولسوالی کوت پس از آن آغاز شد که جمعه‌ی گذشته صدها جنگجوی داعش بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی و نیروهای خیزش مردمی در این ولسوالی حمله کردند.

پس از این حمله داعش و عملیات پاکسازی نیروهای امنیتی علیه این گروه، حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی رییس‌جمهور به ننگرهار سفر کرد.

حملات گسترده‌ی طالبان بر ولسوالی حصار ننگرهار

از سوی هم گزارش‌ها از ولسوالی حصارک این ولایت حاکی است که از دو روز بدین سو درگیری شدید میان نیروهای امنیتی و طالبان جریان دارد.

دفتر مطبوعات ولایت ننگرهار در خبرنامه‌ی دیگر نوشته است که در جریان ۴۸ ساعت گذشته در نتیجه‌ی عملیات هوایی و زمینی نیروهای امنیتی افغانستان در ولسوالی حصارک این ولایت، ۳۳ طالب مسلح کشته و ۵۴ تن دیگر زخمی شده‌اند.

خبرنامه افزوده که در جریان این عملیات دو تن از منسوبین نیروهای امنیتی کشته و ۹ تن دیگر زخمی شده‌اند و به افراد ملکی آسیب نرسیده است.

اما مقام‌های پولیس محلی از تشدید حملات خبر داده و می‌گویند که طالبان ۳۷ خانه‌ی نیروهای پولیس محلی را سوزانده و چند پوسته به‌دست طالبان سقوط کرده است.

منیر همت فرمانده پولیس محلی گفته است که درگیری به سمت مرکز ولسوالی نزدیک شده می‌رود و تمام راه‌های منتهی به ولسوالی نیز بسته شده است. آقای همت افزوده فعلاً نیروهای پولیس محلی با مورال عالی می‌جنگند، اگر نیروهای کمکی و تجهیزات نرسد، جهت جنگ تغییر خواهد کرد.

ننگرهار در شرق کشور، از ولایت‌های ناامن کشور به‌شمار می‌رود که در دو سال اخیر افزون بر گروه طالبان، جنگجویان گروه تروریستی داعش نیز در شماری از ولسوالی‌های آن فعالیت داشته و باعث افزایش ناامنی در این ولایت شده‌اند. ولسوالی‌های اچین و کوت خاستگاه اصلی داعش در افغانستان گفته می‌شود.

پاکستان دست‌کم

هفت هزار پناهجوی افغان را

بازداشت کرده است

اطلاعات روز: مقام‌ها در قنسول‌گری افغانستان در شهر پشاور پاکستان گفته‌اند که در چند روز اخیر بیش از هفت هزار پناهجوی افغان در ایالت خیبرپختونخوا پاکستان بازداشت شده‌اند.

عبدالله وحید پویان، جنرال قنسول افغانستان در پشاور گفته است که آزار و اذیت پناهجویان افغان در پاکستان به آخرین حد خود رسیده است.

آقای پویان همچنان گفته است که نزدیک به ۱۰ هزار خانواده‌ی پناهجوی افغانستان تعهد سپرده که پس از عید سعید فطر به‌گونه‌ی داوطلبانه به افغانستان باز می‌گردند.

آقای پویان به طلوع نبوز گفته است: «متأسفانه پس از جنگ تورخم آزار و اذیت پناهجویان افغان به آخرین حد رسید و من و سفیر افغانستان با پرویز ختک وزیر اعلای خیبرپختونخوا دیدار کردیم تا مشکل حل شود.»

در همین حال دولت پاکستان در نظر دارد که با افغانستان و کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان راجع به انتقال مهاجران افغان به کمپ‌هایی در داخل کشور گفت‌وگو کند.

در اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی پاکستان آمده است که در این مذاکرات «راه‌های بازگشت زودتر و احتمال انتقال تدریجی مهاجران افغان از پاکستان به مناطق امن افغانستان بررسی می‌شود.»

از سوی هم عمر زاخیلوال سفیر افغانستان در اسلام‌آباد، از مهاجرین افغان خواسته که از پاکستان به کشور خود برگردند. آقای زاخیلوال روز پنج‌شنبه در ایالت خیبر پختونخوا با نمایندگان پناهجویان افغان دیدار کرده است. نمایندگان پناهجویان در این دیدار نیز گفته‌اند که به‌صورت داوطلبانه به افغانستان برخواهند گشت.



شنبه
۱۲ سرطان
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۰۹۹



فهم فاجعه به مثابه یک وضعیت

کلمه عمران راتب

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

سفر عمره و احرام تضرع اشرف غنی

رییس جمهور برای چندمین بار به عربستان رفت تا حج عمره به جا آورد. محمد اشرف غنی در حالی به عربستان می‌رود که حمله‌ی سنگین کمپنی، ده‌ها جنازه و زخمی از سربازان تازه فارغ‌شده‌ی آکادمی پولیس را روی دست او گذاشته. او پیراهن پر خون سربازانش را گرفته به عربستان رفته تا احرام سفید بسته کند و با الله جل‌شأنه خویش کمی راز و نیاز کند.

در همین ابتداء اجازه دهید یک چیز را روشن کنم تا پسان باهم دعوا نکنیم. هر کسی فکر می‌کند که غنی برای ادای حج عمره رفته، به او باید جایزه‌ی احمق‌ترین انسان تاریخ بشریت را داد. می‌گویید چطور؟ بسیار ساده است. به‌طور خلاصه:

ما می‌گوییم طالبان یک مُشت مزدوراند که به دستور بیگانه‌ها در افغانستان آدم می‌کشند. همین یک مُشت مزدور بیگانه، در افغانستان پایگاه دارند. در شاهراه‌ها هم گزرمه می‌گردند. در وزارت‌های دفاع و داخله و ریاست امنیت ملی همکاری دارند که برنامه‌های این نهادها را به آن‌ها ارایه کنند. در نهایت امر، ما هر روز شاهد فجایعی خونینی از سوی طالبان هستیم.

همین یک مُشت مزدور بیگانه، از سوی بیگانه‌ها پول دریافت می‌کنند، سلاح دریافت می‌کنند و مهم‌تر از همه فتوای جنگ و قتل مردم را دریافت می‌کنند. شما می‌دانید که فتوا به ما این قدرت را می‌دهد که هم‌دیگر را زنده‌زنده بخوریم، آتش زدن شهر و قتل عام مردم که چیزی نیست. بمب اتمی همین کار را می‌کند؟ نه! یک بمب اتمی یک بار منفجر می‌شود و خلاص. اما یک فتوا چهار دهه است که در افغانستان باعث ویرانی شهر و کشتار مردم می‌شود.

حالا شما بگویید اشرف غنی برای چه به عربستان سعودی رفته؟ عربستان سعودی مرکز صدور فتوایی است که تروریست‌ها در سراسر جهان بر مبنای آن به قتل و کشتار و تخریب دست می‌زنند. عربستان مخزن پول‌های هنگفتی است که در شریان تروریزم جریان می‌یابد. عربستان، منبع تقدیس و توجیه فعالیت‌های تروریستی است. برای همین است که در شرایط این چنین بحرانی، اشرف غنی با پیراهن پر خون سربازان تازه فارغ‌شده‌ی پولیس افغانستان به عربستان می‌رود تا در سایه‌ی کعبه، ملک سلمان را زیارت کند.

اشرف غنی می‌داند که طالبان و شبکه‌ی حقایق نه‌تنها که فرزندان خلف آی‌اس‌ای پاکستان‌اند، بلکه لشکریان خلیفه نیز هستند. او رفته تا نزد خلیفه احرام تضرع بیند و از ملک سلمان بخواهد که در تمویل تروریزم در افغانستان، یک کمی با او مدارا کند. در این شکی نیست که تروریزم، منفعت بیشتر از نفت برای عربستان دارد. حالا دیده شود که آقای غنی در این سفر عمره‌اش چه چیزی را فدای شیخ کعبه می‌کند و چه چیزی را از او هدیه می‌گیرد. یا به قول خود اشرف غنی، افغانستان در چارچوب بنیادین خویش چه چیزی ارزشمندی دارد که عربستان سعودی ممکن به آن چشم دوخته باشد؟ من که نمی‌دانم...

حالا باید منتظر ماند و دید که سفر عمره‌ی غنی مقبول درگاه شیخ سلمان واقع می‌شود یا نه. اگر شیخ تضرع غنی را اجابت کند، مطمئناً اوضاع تغییر خواهد کرد، اما اگر شیخ غنی را ناپاک دریابد و خواست‌هایش را نادیده بگیرد، چه؟ هیچ‌چه. غنی مقابل عربستان تنهاست و دست‌انگشت هم خالی است. هیچ اهرم‌فشاری در اختیار ندارد. بدبختانه آن قدر تظاهر در عبودیت کرده که عملاً زمینه‌ی همراه کردن مردم را در این مسأله هم از دست داده است. به هر صورت، امیدوارم سفر عمره‌ی غنی، سفر خوبی باشد و آقای غنی در برگشت از این سفر، اول به حساب همکاران طالب در وزارت‌های داخله و دفاع و ریاست امنیت ملی و به تعقیب آن، به حساب طالبان حکومتی در تمام ادارات برسد. حضور آدم‌هایی که از درون وزارت‌خانه‌ها یا حتا از درون ارگ با تروریست‌ها همکاری دارند، غیرقابل انکار است. دسترسی طالبان به بایومتریک شوخی نیست، آگاهی طالبان از برنامه‌های ارگان‌های امنیتی هم شبیه حمله بر مسافری در شاهراه‌ها نیست، همه نشان عدم پابندی و وفاداری به نظام از درون نظام است.

خدایا ما که جزء بنده‌گان عاصی‌ات هستیم، بازهم دعا می‌کنیم که حج محمد اشرف غنی را بپذیرد! ای الله جل‌شأنه! دیدی میان احرام مثل عروس به غمزه خوابیده معلوم می‌شد؟ دیدی لبخندش یادگار جشن فراغت سربازانی بود که دو روز قبل در کمپنی قربانی شدند؟ خدایا غنی در این مملکت بر هیچ کس باور ندارد و هیچ کس بر او، به نظر این یک رقم گدودی نیست؟ اگر است، خدایا این گدودی را از بین ببر! دیگر حرفی نیست، آن‌چه خواستیم و خواستیم و آن‌چه را نخواستیم، تو از ضمیر ما آگاهی، به نوبت برآورده بفرما! تشکر.



فاجعه پیوسته رخ می‌دهد و امکان و زمینه‌ی دوام آن در جامعه و ذهنیت اجتماع نیز وجود دارد. همه به‌نحوی، وجود اجتناب‌ناپذیر فاجعه را در زندگی‌شان پذیرفته‌اند. از دیگر سو، حکومت هیچ اراده و تعهد بنیادی و کارساز در جلوگیری از دوام و گسترده شدن فاجعه از خود نشان نمی‌دهد و نه فقط در برابر آن بی‌اعتنایی اختیار می‌کند که با واکنش‌های پسیف و از قبل خنثاشده و با رفتار سیستماتیک ناروا، وقوع آن را محتوم می‌سازد. از این رو، فاجعه در کشور به‌گونه‌ی بالقوه همواره حضور دارد و حتا زندگی عادی ما نیز بر پیش‌فرض وقوع آن در هر لحظه‌ی ممکن و غیر قابل پیش‌گیری مبتنا یافته است: ادبیات ما در تعاملات روزمره ادبیات فاجعه‌محور است. بر این اساس، دیگر دلیلی وجود ندارد که ما فاجعه را نه در مقام یک اتفاق که گاهی و استثنا، بلکه به‌مثابه یک وضعیت فراگیر درک نکنیم.

خود فاجعه‌ی دیگری است و تأییدی بر استمرار رخداد فجایع. صادرکنندگان فتوا و برگزارکنندگان نماز جمعه برای پیش‌گیری از وقوع فاجعه و یا هم نمک پاشیدن بر زخم بازماندگان آن، لاجرم به آدرسی متوسل خواهند شد که عاملین فاجعه نیز درست از همان آدرس وقوع فاجعه را سبب شده‌اند. این گونه برخورد خنثا، اما تأییدگرانه، بیشتر هم‌دستی حکومت با عاملان فاجعه را به تماشا می‌گذارد نه اتخاذ رویکرد عملی در پیش‌گیری از استمرار وضعیت. گویا طالبان به‌خاطر رفتن به بهشت و عملی شدن رؤیاهای‌شان در آخرت دست به خلق فاجعه‌ی روز پنج‌شنبه زده بودند، اما اطمینان به قبولی این عمل‌شان نداشتند؛ حکومت آمد و با اتحاف دعا و برگزاری نماز جمعه و آمین و رب‌العالمین گفتن، خاطر طالبان را از قبولی آن آسوده گردانید. برخورد نمازگزارانه و دعاگونه با فاجعه‌ی که به گزارش رسانه‌های اجتماعی در حدود یک‌صدوینجاه نفر (۳۲ نفر به‌قول وزارت داخله) را به قتل رسانده و جاده‌ها را خونین کرده است، به همان اندازه زشت و تباهی‌آور است که خلق عملی فاجعه از سوی طالبان. تازه، این راه باید فراموش نکنیم که در چنین وضع سیاه و تلخی، رییس‌جمهور کشور با خیال آسوده و آرام به حج عمره می‌رود. این عمره رفتن، آیا به ترکستان رفتن نیست در واقع؟

سخن فرجامین: فاجعه پیوسته رخ می‌دهد و امکان و زمینه‌ی دوام آن در جامعه و ذهنیت اجتماع نیز وجود دارد. همه به‌نحوی، وجود اجتناب‌ناپذیر فاجعه را در زندگی‌شان پذیرفته‌اند. از دیگر سو، حکومت هیچ اراده و تعهد بنیادی و کارساز در جلوگیری از دوام و گسترده شدن فاجعه از خود نشان نمی‌دهد و نه فقط در برابر آن بی‌اعتنایی اختیار می‌کند که با واکنش‌های پسیف و از قبل خنثاشده و با رفتار سیستماتیک ناروا، وقوع آن را محتوم می‌سازد. از این رو، فاجعه در کشور به‌گونه‌ی بالقوه همواره حضور دارد و حتا زندگی عادی ما نیز بر پیش‌فرض وقوع آن در هر لحظه‌ی ممکن و غیر قابل پیش‌گیری مبتنا یافته است: ادبیات ما در تعاملات روزمره ادبیات فاجعه‌محور است. بر این اساس، دیگر دلیلی وجود ندارد که ما فاجعه را نه در مقام یک اتفاق که گاهی و استثنا، بلکه به‌مثابه یک وضعیت فراگیر درک نکنیم.

ما هم داشت. برخورد با حادثه بدون توجه به پیشینه و امکان‌های بعدی آن، درک‌ناپذیر است. این برخورد سبب می‌گردد که ما عملاً برای استمرار حوادث راه را باز کنیم و اجازه بدهیم که این زنجیره طولیل‌تر گردد. زیرا بررسی حادثه به‌عنوان یک امر مستقل، انتزاعی و بدون پیشینه، ما را ملزم به این نمی‌کند که به آینده‌ی آن هم بیندیشیم: امری که گذشته ندارد و فقط در اکنون بررسی می‌شود، آینده هم ندارد. این طوری ما هرگز موفق به درک ماهیت زنجیره‌ی حوادث به‌عنوان یک وضعیت نخواهیم شد.

دو: جای گفتن ندارد که کمیت در وقوع فجایع، با گذشت هر روز، به‌شکل بی‌پیشینه‌ی تغییر کرده و بالا رفته است. با آن‌هم، هیچ رخدادی در حیات افغانی تازگی ندارد. همه‌چیز همان نوعیت و ترکیب همیشگی خود را دارا می‌باشد: وقوع فاجعه و نحوه‌ی مواجهه‌ی ما با فجایع، همه در یک سطح باقی مانده است. معیار رخداد فاجعه در افغانستان همان چیزی است که موجب ظهور پرشدت و فراگیر امری می‌شود که گرچه وجودش از پیش حضور داشته و حتا قابل لمس بوده، اما تا آن هنگام در وضعیت نامرئی بوده است. این معیار، همانا همدستی یا دست‌کم بی‌تفاوتی شحنة در برابر دزد است؛ همراهی حکومت، یعنی مسئول امنیت شهروندان، با دشمنان شهروندان، در شکل عینی یا غیر مستقیم آن. این که بگوییم حکومت از وقوع فاجعه معلومات پیشینی نداشته، چیزی از کم‌کاری و فلاکتش نمی‌کاهد. از وجود عاشقان انتحار و انفجار که بی‌خبر نیست، از نشانه‌های روزمره‌ی فاجعه در سطح شهر و انفجار در زیر گلولی ارگ که بی‌خبر نمی‌تواند بود و از بلاهت در کار و عدم تعهد و صداقت خودش با مردم نیز که خیلی خوب می‌داند و لمس می‌کند؛ پس با این حال، مقصر اصلی فاجعه حکومت است. با فرافکتی و به گردن دیگران انداختن و خلق سوزهای میهم به‌خاطر فرار از میدان مسئولیت و آب را گل کردن، نمی‌شود بطالت و بیچارگی خود را کتمان و انکار کرد. فاجعه خودش سخن می‌گوید. صدای فاجعه را نه با «اتحاف دعا» و برگزاری نماز جمعه می‌شود خاموش کرد و نه با دور هم نشستن و از کتج مسجد فتوا صادر کردن. مواجهه‌ی این‌چنینی با فاجعه از جانب نهاد مسئول و بر سر اقتدار،

یکی وقتی می‌گوییم فاجعه‌ی روز پنج‌شنبه در ناحیه‌ی پنجم کابل یک رخداد بود، دقیقاً منظورمان چیست؟ هرچند جهت به تصویر کشیدن یک حادثه‌ی جمعی ما ناگزیریم به سراغ مجموعه‌ی این حوادث برویم که هرزگاهی به‌صورت تک‌افتاده این‌جا و آن‌جا در سطح شهرها رخ می‌دهند. نام‌گذاری و نشانه‌گذاری این حوادث تک‌افتاده به ما این امکان را می‌دهد تا آن‌ها را به‌عنوان حلقه‌های زنجیره‌ی این حوادث کنار هم بچینیم و به‌مدد تصویری که از جمع آن‌ها شکل می‌گیرد، چهره‌ی وضعیت کنونی را ترسیم کنیم. ولی این نحوه‌ی برخورد با حوادث در کنار ثبت آن‌ها و خلق یک چهره‌ی کلی از وضعیت، خصلت انکارگرانه نیز دارد. به این معنا که چنین برخوردی با حوادث، بنا را بر این می‌گذارد که وضعیت کلی فارغ از حادثه و رخداد قرار دارد. به‌بیان دیگر، پیش‌فرض این برخورد متضمن این معناست که وضعیت عمومی به‌صورت معمول، عادی و امن است، اما فقط هرزچندگاهی حوادث و رخدادهایی در متن آن رونما می‌گردد؛ چیزی که با وضعیت عینی افغانستان موافقت ندارد. این‌جا قاعده‌ی کار حادثه و فاجعه است و امنیت نسبی به‌عنوان یک حالت گذرا و استثنا، که گاهی در متن فجایع مشاهده می‌شود.

معنای صریح این امر چیست؟ معنایش این است که ما نمی‌توانیم در تعریف از وضعیت کنونی، بنای بحث را بر امنیت و آرامش بگذاریم و سپس از رخدادهای همه‌روزه منحیث نشانه‌های تکین و ناسازگار با وضعیت، سخن بگوییم. زیرا رخداد یک امکان است و ظهور آن در تمام وضعیت‌ها قابل تصور. رخداد به‌معنای درست کلمه، قابل پیش‌بینی و پیش‌گیری نیست، وگرچه حادثه‌ی شارلی ابدو در قلب فرانسه و یا فاجعه‌ی اورلاندو هیچ رخ نمی‌داد و در نطفه خنثا می‌شد. چیزی که می‌توان جلو استمرار و نه وقوع آن را گرفت، رخداد نیست، وضعیت است. وضعیت از رخداد بی‌هم فاجعه به‌وجود می‌آید -در افغانستان چنین چیزی پیش آمده است- منطق فهم و شناخت آن اما با منطق فهم حوادث جداگانه تفاوت دارد. حلقه‌ی تفسیر وضعیت، درست است که بر اساس تفسیر هر حادثه -که جمع آن‌ها وضعیت را شکل بخشیده- به‌صورت جداگانه امکان‌پذیر می‌شود، اما تعریف وضعیت چیزی نیست که با تعریف هر حادثه‌ی تک‌افتاده بتوانیم به آن دست پیدا کنیم. لذا، فهم فاجعه‌ی روز پنج‌شنبه نیز فقط در ذیل همین وضعیت قابل درک است.

حادثه در خودش چیز زیادی ندارد که ما به‌واسطه‌ی آن بتوانیم به درک وضعیت کلی برسیم. آن چیزی که حادثه را تبدیل به یک نشانه می‌کند و صورت انضمامی به آن می‌بخشد، توجه به پیشینه‌ی آن به‌مثابه یک جریان و نوع مواجهه‌ی ما با آن بعد از وقوعش به‌مثابه امکان‌های تکرار حادثه یا جلوگیری از آن است. و این دقیقاً همان چیزی است که ما آن را وضعیت نامیدیم. حادثه‌ی پنج‌شنبه در امتداد حادثه‌ی گروگان‌گیری در شمال کشور رخ داد و گروگان‌گیری بعد از حادثه‌ی حمله ریاست ده امنیت ملی در کنار ارگ اتفاق افتاد و به‌همین شکل حوادثی که یکی‌بی‌هم رخ داده‌اند. این‌ها را نمی‌شود از هم مجزا کرد و انتظار درک‌شان

ایران و جذب افغان‌ها برای جنگ در سوریه از داخل افغانستان

گاردین دریافته است که جوانان شیعه‌ی افغانستان در حمایت از بشارالاسد رییس‌جمهور سوریه، به جنگ ترغیب می‌شوند

گاردین/سن انجل راسموسن و زهرا نادر

ترجمه: حمید مهدوی



ایران صدها شیعه‌ی افغانستان را در داخل افغانستان به‌طور مخفیانه استخدام می‌کند تا برای بشارالاسد، رییس‌جمهور سوریه، بجنگند و آن‌ها را از کشور جنگ‌زده‌ی خودشان بیرون می‌کنند و به جنگ دیگری می‌فرستند، جنگی که افغانستان در آن هیچ نقش رسمی بازی نمی‌کند.

این جنگجویان افغان اغلب فقیر، مذهبی و از حقوق اجتماعی محرومند و به دنبال پول، پذیرش اجتماعی و یک احساس هدفمندی هستند که در کشور خودشان نمی‌توانند آن را بیابند. استخدام مهاجران و پناهجویان افغانستان توسط ایران در داخل مرزهای خودش مستند است، اما فعالیت‌های مشابه ایران در داخل افغانستان قبلاً گزارش نشده است. به گفته‌ی یک سخن‌گوی سفارت ایران در کابل، ایران استفاده از «هرگونه فریب یا اجبار»، یا استخدام افغان‌ها برای جنگ در سوریه، را رد می‌کند. اما تحقیقات گاردین هم از چگونگی ترغیب مردان افغان به جنگ و هم از مشوق‌هایی پرده بر می‌دارد که این مردان را تشویق می‌کند هزاران مایل سفر کنند و در جنگی شرکت کنند که ممکن است آن‌ها هرگز برنگردند.

در این استخدام مردانی مانند جواد مهم‌اند. جواد که از طرف روز یک افسر پولیس است و خارج از وظیفه یک «آژانس مسافرتی» دارد، گفت که وقتی سپاه پاسداران در سال ۲۰۱۴ فرقه‌ی فاطمیون را تشکیل داد تا در کنار نیروهای حکومتی سوریه بجنگد، او برای یک سال به‌عنوان واسطه برای سپاه پاسداران کار کرد.

جواد، از آژانس مسافرتی «تراول اجنسی» اش در طیفه‌ی دوم یک ساختمان بدون نام، ارتباط مردان متمایل به جنگ را با سفارت ایران در کابل برقرار می‌کند. سفارت ویزا صادر می‌کند و به سفر کمک می‌کند و مبلغی را به جواد به‌خاطر درس‌هایش پرداخت می‌کند. در ازای جنگ، به افغان‌ها اجازه‌ی اقامت در ایران و حدود ۵۰۰ دالر معاش ماهوار پیشنهاد می‌شود. جواد گفت: «اکثریت [جنگجویان] به‌خاطر پول به سوریه می‌روند.» «تعدادی می‌روند تا از زیارتگاه دفاع کنند».

سوریه خانه‌ی چندین مکان مقدس شیعیان است، مهم‌تر از همه مسجد سیده زینب، نواسه‌ی حضرت محمد که نقطه‌ی محوری برای شیعیانی است که می‌خواهند از آن در برابر شبه‌نظامیان سنی مذهبی چون داعش دفاع کنند. اولین باری که سپاه پاسداران با جواد ملاقات کرد، او خودش را برای سفر به سوریه آماده می‌کرد. داعش ۱۲ جنگجوی افغان را در حومه‌ی دمشق ربوده بود. این جواد بود که آن‌ها را استخدام کرده بود و جواد می‌گوید اکنون خانواده‌های آن‌ها خواستند که او برای آزادی آن‌ها کمک کند. وقتی او یک ماه بعد از سوریه برگشت، به‌وضوح تکان خورد بود. او با نشان دادن تصاویری از دمشق گفت که برای آزادی گروگان‌ها مذاکره

را ردیابی کرده است گفت که ایران به اختلاف‌های قومی میان سنی‌ها و شیعیان دامن می‌زند تا در افغانستان اعمال کنترل کند. او گفت: «سیاست ایران ایجاد اختلاف میان مسلمان‌ها است. آن‌ها می‌خواهند افغانستان مانند سوریه شود». او همچنین اضافه کرد که فهرستی از حد اقل ۱۸۰۰ افغانی را دیده است که صرف در کابل استخدام شده‌اند. هرچند کارشناسانی مانند آلفونه این برآورد را رد کرد و آن را بسیار بلند خواند. قرار ادعاها سپاه پاسداران ایران همچنین علاوه بر مامورانی چون جواد از مساجد در شهرهای افغانستان به‌عنوان پایگاه سرپازگیری استفاده کرده است. احمدزی گفت یکی از این مساجد در دشت برچی، محله‌ی عمدتاً شیعه‌نشین در کابل، است و نخواست از این مسجد نامی ببرد. او گفت پس از آن که یک گروه تحقیق‌کنندگان را اعزام کرد، سرپازگیری در این مسجد متوقف شد. هرچند سفارت ایران در کابل دست داشتند را تکذیب می‌کند، اما اخیراً یک رهبر مخالف سوریه که با فاطمیون می‌جنگد از حکومت افغانستان خواست مانع رفتن جنگجویان به سوریه شود. هیثم مالخ، عضو ائتلاف ملی سوریه، تعداد افغان‌هایی که در کنار نیروهای طرفدار اسد می‌جنگند را ۸۰۰۰ تن خواند. علی محمد علی، یک کارشناس امنیتی گفت که سازمان استخبارات افغانستان مواردی از سرپازگیری را سرکوب کرده است، اما این سازمان با احتیاط گام بر می‌دارد. از آن‌جایی که بازیگران بیشتری در سوریه درگیر می‌شوند، وضع پیچیده‌تر شده است. علی گفت از آن‌جایی که روابط [افغانستان] با پاکستان، دیگر همسایه‌ی قدرتمندش، به‌طور غیرمنتظره‌ی پریش است، کابل نمی‌تواند با تهران هم دشمن شود. برای محسن ۲۴ ساله، جنگ در سوریه فرصتی برای جنگ در جبهه‌ی حق بود. او می‌گوید که در جریان جنگ با جنگجویان داعش در اطراف حلب بود که گواهی را دید که خداوند با آن‌هاست. جنگ برای ۲۴ ساعت بدون توقف شدت گرفته بود. محسن خسته، پشتش را به دیواری تکیه داده بود و کلاه آهنی ایمنی‌اش بیرون برآمده بود. در آن لحظه بود که گلوله‌ی قسمت جلوی کلاه ایمنی‌اش را سوراخ کرد و اندکی از پیشانی‌اش که او روی آن به احترام نواسه‌ی حضرت محمد «یا بی‌بی زینب» نوشته بود به خطا رفت. او زنده ماند و چند روز بعد به شرکتش کمک کرد تا نبل و زهرا، دو روستای شیعه‌نشین را که چهار سال تحت محاصره‌ی داعش بود، آزاد کند.

محسن به گاردین گفت: «هدفم دفاع از شیعیان بی‌گناه در سوریه بود». «داعش رحم ندارد. آن‌ها کودکان، افراد مسن، همه را می‌کشند». محسن که در ایران [برای جنگ] استخدام شده بود، در چایخانه‌ی در کابل، تصاویر تیلیفونی از خودش در سوریه را نشان داد که لباس خدمت یا یونیفورم به تن داشت و اطراف چشمش را با سرمه رنگی کرده بود. در جریان سومین و مهم‌ترین سفرش به سوریه در ماه فبروری، او سه بار زخمی شده بود. یک گلوله هنوز در رانش جا مانده بود. او [گلوله‌ی] دیگری را به‌عنوان گردن‌بند باخود داشت.

او گفت: «کار اشتباهی انجام نمی‌دهم. آن مکان‌های مقدس از ماست. ما می‌رویم که از آن‌ها دفاع کنیم». افغان‌های جوان، تا زمانی که امید یک آینده‌ی مصنوعی و شگوفای کشورشان تار است، باوجود مخالفت خانواده‌هایشان، [سازمان] استخبارات و سیاستمداران، احتمالاً همچنان بی‌اراده به‌طرف سوریه کشانده خواهند شد. یونس، ۲۰ تن را از فارغ‌التحصیلان بیکار دانشگاه در کابل را می‌شناسد که از ایران به سوریه رفته‌اند، به‌شمول دو پسر کاکا و یک کاکایش که کشته شده‌اند، گفت: «کسانی که می‌روند، چیزی به جا نمی‌گذارند. آن‌ها تمام امیدشان را از دست داده‌اند». او گفت، همه معتاد بودند یا مشکلات خانوادگی عمیق داشتند. تعدادی که با تبعیض، سوءمصرف مواد مخدر و ننگ همراه آن مواجه‌اند، جنگ را تنها راه انجام کاری با اراده‌ی خودشان می‌دانند. یونس گفت، رفتن به سوریه نهایت ناچاری و ناامیدی است. او گفت، «آن‌ها یا کشته شده و شهید می‌شوند» یا با معاش و تابعیت در ایران، «زندگی بهتری پیدا می‌کنند.» «آن‌ها یک آغاز تازه می‌خواهند».

گروه‌های سنی مذهب خواهند جنگید، آموزش بدهد». در سوریه نیز افغان‌ها اغلب در خط مقدم اقدامات تهاجمی قرار دارند. محمد، جنگجوی ۱۹ ساله، از ورود به شفاخانه‌ی که توسط جنگجویان دشمن اشغال شده بود، یادآوری کرد. او در تماس تیلیفونی از تهران که اخیراً به آن‌جا بازگشته بود، گفت: «برای ترساندن ما، آن‌ها سرهای انسان را به طرف ما پرتاب کردند. سر یک کودک روی پایم افتاد. کفش‌هایم خون‌آلود شدند و من واقعا ترسیدم.» «وارد ساختمانی شدم و پایم به سیمی تماس پیدا کرد و باعث انفجار شد. دوازده قطعه گلوله‌ی انفجاری به پاها و دستم اصابت کرد». این واقعیت که اجساد کشته‌شدگان به‌ندرت برای دفن به کشور برگردانده می‌شود، بررسی تعداد جنگجویان افغان را پیچیده‌تر کرده است. علاوه بر آن، تعدادی از آن‌ها، قبل از ناپدید شدن، وانمود می‌کنند که به ایران می‌روند.

احسان و فهیم دو دوست از مزار شریف بودند که هر کدام به پدر و مادر پیر خود گفتند برای کار راهی تهران شده‌اند. از رفتن شان زمان زیادی نگذشته بود که احساس به رسول، دوست سومی، از سوریه پیام‌ها و عکس‌های فیس‌بوکی می‌فرستاد. رسول گفت: «او یک شخص بسیار مذهبی بود و همیشه در مورد این که وظیفه‌ی دینی‌اش است که به سوریه برود، صحبت می‌کرد. در اوایل ماه می، اندکی پس از آن که ۸۰ جنگجوی حامی دولت، از جمله ده‌ها افغان، در جنگی برای خان تومان در نزدیکی حلب کشته شدند، احسان به رسول پیام فیس‌بوکی فرستاد اما از فهمیم خبری نبود. پدر و مادر او تصمیم گرفتند به ایران بروند. آن‌ها هنوز در جست‌وجوی او هستند. تعدادی از سیاستمداران افغانستان تلاش کرده‌اند مداخله کنند. نظیر احمدزی، نماینده در پارلمان، که استخدام جنگجویان افغان

کرده است اما همچنین به چشم خودش دیده است که چگونه «ایرانی‌ها از افغان‌ها به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کنند». او گفت دیگر به‌عنوان واسطه برای ایرانی‌ها کار نخواهد کرد. او گفت: «شرمندم، چون آن‌ها را من فرستادم».

احتمالاً دلیل دیگری نیز برای تغییر تصمیم جواد وجود دارد. پس از بازگشت جواد، ریاست امنیت ملی افغانستان جواد را برای ۴۸ ساعت دستگیر کرد. جواد گفت: «آن‌ها به من گفتند برادرانت را به کشور دیگر نفروش». از آن‌جایی که آمار رسمی در دسترس نیست، برآوردها در مورد تعداد افغان‌هایی که در سوریه می‌جنگند به شدت متفاوت‌اند. رسانه‌های دولتی ایران، در حالی که به دست داشتن مستقیم ایرانی‌ها اذعان نمی‌کنند، می‌گویند که ۲۰ هزار تن از افغان‌ها در سوریه می‌جنگند. به گفته‌ی امیر توماج، محقق در بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، فاطمیون اخیراً از یک تیپ به یک فرقه تغییر کرده است که معمولاً بیش از ۱۰ هزار عضو داد. دیگران معتقدند این آمارها اغراق‌آمیزند. علی آلفونه، کارشناس مستقل ایرانی در واشنگتن تعداد افغان‌هایی که در سوریه می‌جنگند را چند هزار برآورد کرد. او اضافه کرد که حد اقل ۳۳۴ افغان در جنگ اخیر سوریه از ماه سپتامبر ۲۰۱۳ تاکنون کشته شده‌اند. یک قانون جدید ایران به حکومت اجازه می‌دهد به خانواده‌های افغان‌های کشته‌شده در جنگ سوریه تابعیت بدهد. توماج گفت احتمالاً هدف وضع این قانون تلاش برای تشویق آن‌ها به انجام ماموریت‌های مخاطره‌آمیزتر و جلب سرباز است. برای ایران، داشتن یک ملیشه‌ی وفادار افغان، فراتر از سوریه، به درد یک هدف بلندمدت‌تر می‌خورد. آلفونه گفت: «این به‌وضوح در خدمت منافع سپاه پاسداران است تا شیعیان افغان را که بعداً با خروج نظامی امریکا از آن کشور علیه طالبان یا دیگر

افتتاح سریع‌ترین خدمات اینترنت ۳,۷۵G شرکت مخابراتی افغان بیسیم در ولایات بلخ و خوست



در باره‌ی افغان بیسیم:

شرکت مخابراتی افغان بیسیم (AWCC) اولین شرکت مخابراتی و بنیان‌گذار مارکت مخابرات بیسیم در افغانستان می‌باشد که در سال ۲۰۰۲ از طرف دکتر احسان الله بیات، رییس عمومی بیات گروپ، تأسیس گردید. این شرکت برای مشتریان خویش در ۳۴ ولایت افغانستان خدمات مخابراتی را با همکاری ۴۲۵ شبکه‌ی بیسیم در ۱۲۵ کشور جهان ارائه می‌دارد.

به پیشرفت، ترقی و تقویت بنیه‌ی اقتصادی افغانستان می‌باشد.

افغان بیسیم همواره در کنار مردم خویش بوده و تلاش دارد تا با فراهم‌سازی زمینه‌های رشد برای همه اقشار کشور، نقش خود را به‌عنوان یک شرکت واقعی افغانی ایفا کند.

ارایه خدمات اینترنتی افغان بیسیم در حال گسترش است و تلاش می‌شود تا تمام مردم افغانستان متناسب به نیازهای خویش از این خدمات استفاده اعظمی را ببرند، تا باشد هر روز شاهد پیشرفت و آوردن لبخند برای مردم کشور خویش باشیم.

بیسیم، سریع‌ترین خدمات اینترنتی در کشور است که بعد از پایتخت، ولایات قندهار، هلمند، ننگرهار، فراه، کنر، لغمان، قندوز، بدخشان، تخار، نیمروز، زابل، بغلان و اکنون ولایات بلخ و خوست را تحت پوشش قرار داده و عرضه‌ی خدمات سریع‌ترین اینترنت را به هم‌وطنان عزیز ما مهیا نموده است.

تلاش‌های گسترده و فعالیت‌های وسیع افغان بیسیم در طول چهارده سال گذشته در جهت استفاده از پیشرفته‌ترین تکنالوژی روز برای سهولت هر چه بیشتر مشتریان تعهدی است که همواره این شرکت برای آن تلاش می‌کند و متعهد

ارتباطات و سرعت در کار و تجارت از جمله نیازهای مبرم تجارتی در شرایط امروزی می‌باشد و افغان بیسیم با در نظر داشت این اصل مهم می‌خواهد هم‌وطنان عزیز خویش را کمک کند تا به پیشرفته‌ترین امکانات درین عرصه دسترسی داشته باشند.

حالا مشتریان شرکت مخابراتی افغان بیسیم می‌توانند در ولایات بلخ و خوست از سریع‌ترین خدمات باند ۳,۷۵G افغان بیسیم استفاده نموده و به رونق کار و تجارت خویش بیفزایند. سیستم عرضه‌ی خدمات اینترنتی ۳,۷۵G افغان

دار و ندار وزیران کابینه‌ی حکومت وحدت ملی

گزارش از الیاس نواندیش

مقدمه:

اداره‌ی عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه با فساد اداری به منظور تطبیق ماده‌ی ۱۵۴ قانون اساسی و فقره‌ی ۸ مصوبه‌ی شماره ۱۵ مورخ ۱۳۹۴/۵/۳ ریاست جمهوری دارای‌های منقول و غیرمنقول ۳۵ تن از اعضای بلندپایه‌ی حکومت افغانستان را منتشر نموده است. این افراد شامل رئیس جمهور، رئیس اجرائیه، سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور، احمد ضیا مسعود نماینده‌ی فوق العاده‌ی رئیس جمهور در امور اصلاحات و حکومتمداری خوب، وزیر کابینه، رئیس دادگاه عالی، رؤسای چند اداره‌ی مستقل و چندین عضو دادگاه عالی می‌باشند. در این میان معاون اول رئیس جمهور جنرال دوستم و معاونان ریاست اجرائیه تاکنون دارای‌های شان را ثبت نکرده‌اند. این گزارش تنها به دارای‌های وزیران کابینه‌ی حکومت وحدت ملی پرداخته است. «فورمه‌ی ثبت دارای» شامل: «۱- شهرت مامور اشاعه‌کننده ۲- تاریخچه‌ی کار ۳- شهرت اعضای خانواده ۴- دارای‌های منقول ۵- دارای‌های غیرمنقول ۶- فعالیت‌های خارج از وظیفه ۷- تحایف ۸- عایدات ۹- مقروضیت ۱۰- مصارف و ۱۱- اقرار فردی که دارای‌های خودش را ثبت می‌نماید» می‌باشد.

بخش اول

صلاح‌الدین ربانی، وزیر امور خارجه

اشاره: صلاح‌الدین ربانی متولد ۱۵ ثور ۱۳۵۰ در شهر کابل است (نظر به فورمه‌ی ثبت دارای‌ها ۱۳۴۹). مکتب را در پاکستان خوانده و لیسانس خود را در رشته‌ی مدیریت و بازاریابی از دانشگاه ملک فهد عربستان سعودی و سند ماستری‌اش را از دانشگاه کنگستون بریتانیا در بخش مدیریت و تجارت گرفته است. همچنان او در سال ۱۳۸۷ دومین سند ماستری‌اش را در رشته‌ی «روابط بین‌الملل» از دانشگاه کولمبیا امریکا به‌دست آورده است.



در سال ۱۳۸۱ به وزارت خارجه پیوست و تا سال ۱۳۸۵ به‌هیئت مستشار سیاسی نمایندگی دایمی افغانستان در سازمان ملل کار کرد. در سال ۱۳۸۹ سفیر افغانستان در ترکیه مقرر شد و تا پایان سنبله ۱۳۹۰ در این سمت باقی ماند. در ۲۶ حمل سال ۱۳۹۱ پس از ترور پدرش رییس شورای عالی صلح شد و تا سال ۱۳۹۳ در این سمت ماند.

- شماره‌ی ثبت دارای‌ها: ۵۵۳۹
- دارایی‌های منقول: پول نقد ندارد اما ۱۹۵۰۰ دالر حق‌الزحمه و ۷۰۰ هزار افغانی از بابت کرایه‌ی حویلی در بانک دارد.
- دارایی‌های غیرمنقول: یک خانه در وزیر اکبرخان و یک خانه در کارته پروان به ارزش ۱۵ میلیون که منبع و مدرک تمویل پول آن پدرش می‌باشد.

فعالیت‌های خارج از وظیفه‌ی رسمی، عایدات، مقروضیت و مصارف در فورمه‌ی ثبت دارای‌ها ذکر نگردیده است.

سید حسین عالمی بلخی، وزیر امور مهاجرین و عودت‌کنندگان

اشاره: عالمی بلخی متولد سال ۱۳۳۵ در چهارکنت ولایت بلخ است. او در رشته‌ی علوم اسلامی در حوزه‌های علمیه‌ی مشهد و قم درس خوانده و در فورمه‌ی ثبت دارای‌ها درجه‌ی تحصیلیش را لیسانس نوشته است. در زمان ریاست جمهوری برهان‌الدین ربانی، به وزارت تجارت رسید و پس از سرنگونی طالبان برای دو دور از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۲ عضو مجلس نمایندگان بوده است.



- شماره‌ی ثبت دارای‌ها: ۵۵۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲
- دارایی‌های منقول: یک میلیون افغانی پس‌انداز از سال‌های وکالت در پارلمان.
- آقای عالمی پول نقد در بانک‌های داخل و خارج، اشیاء و زیورآلات، وسایط نقلیه و مواشی ندارد.

۳- دارای‌های غیرمنقول: الف، املاک شخصی: یک خانه در کابل به ارزش ۲۵۰ هزار دالر، یک خانه‌ی میراثی در مزار شریف به ارزش ۱۵ میلیون افغانی، زمین در مزار شریف به ارزش ۴۰۰ هزار افغانی، زمین میراثی در چهارکنت به ارزش یک میلیون افغانی، زمین در مزار شریف به ارزش یک میلیون افغانی، دو نمره زمین در کابل به ارزش یک میلیون و ۵۵۰ هزار افغانی و یک خانه در چهارکنت به ارزش ۲۰۰ هزار افغانی.

ب، املاک موروثی و غیرموروثی: زمین مشترک با پنج نفر که ثلث آن سهم عالمی بلخی است در چهارکنت به ارزش یک میلیون افغانی و یک خانه به ارزش ۲۰۰ هزار افغانی در چهارکنت.

- مصرف: الف، هزینه‌ی تحصیلی و تعلیمی دو فرزندش سالانه ۱۱۰ هزار افغانی.
- ب، مصارف امور معیشتی ماهوار: حدود ۸۰ هزار افغانی خرج منزل، ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ مصارف آب و ۳۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ مصارف برق.
- آقای عالمی فعالیت‌های خارج از وظیفه‌ی رسمی، تحایف، عایدات و مقروضیت ندارد.

فیض محمد عثمانی، وزیر حج و اوقاف

اشاره: او متولد سال ۱۳۶۱ در ولسوالی امام صاحب ولایت قندوز است. لیسانس در رشته‌ی علوم دینی دارد. موسس یک لیسه‌ی خصوصی است و برای یک سال مدیر همین لیسه بوده است. برای سه سال به‌هیئت آمر قراردادی ATVI کار کرده است. او در سمت متخصص نصاب تعلیمی معارف برای یک سال و برای شش سال در موسسه‌ی افغان ترک به‌عنوان استاد اجرای وظیفه کرده است.



- شماره‌ی ثبت دارای‌ها: ۵۵۵۲
- دارایی‌های منقول: الف، پول نقد موجود: ۴۵ هزار دالر پس‌انداز معاشات. او پول نقد در بانک‌های داخل و خارج، اشیاء و زیورآلات، وسایط نقلیه و مواشی ندارد.
- دارایی‌های غیرمنقول: آقای عثمانی دو نمره زمین در کوتل خیرخانه که یک نمره‌ی آن ۱۲ سال پیش به قیمت ۶۰ هزار افغانی خریداری شده و دیگری چهار سال قبل به قیمت ۱۲ هزار دالر از ملکیت شخصی‌اش دارد و ملکیت موروثی و غیرموروثی ندارد.
- عایدات: ۲۱۰ هزار افغانی معاش رسمی دولتی و مالک یک مکتب خصوصی که از آن عاید ندارد.
- کرایه‌ی منزل، آب، برق و مصارف معیشتی آقای عثمانی ماهوار در حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار افغانی می‌شود.

فعالیت خارج از وظیفه‌ی رسمی، تحایف و مقروضیت ندارد.

فیروزالدین فیروز، وزیر صحت عامه

اشاره: فیروزالدین فیروز متولد ۱۹۶۷ در ولایت پنجشیر است. او داکتر طب است و در بخش علوم رهبری و اداره ماستری دارد. ۸ ماه مشاور قراردادی تخنیکی در بانک جهانی در سال ۱۳۸۴، ۶ ماه مشاور رسمی در بانک جهانی در سال ۱۳۸۵، ۴ ماه مشاور قراردادی DFID در سال ۱۳۸۶، ۴ ماه مشاور قراردادی بانک جهانی در سال ۱۳۸۶، ۹ ماه مشاور قراردادی USAID در سال ۱۳۸۷، دو سال مشاور قراردادی در MSIV/US Army و یک سال مشاور قراردادی G1A در سال ۱۳۹۰ بوده است.



- شماره‌ی ثبت دارای‌ها: ۵۶۷۷ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۲
- دارایی‌های منقول: پول نقد موجود ندارد اما ۴۰۰ هزار دالر امریکایی در میوند بانک پس‌انداز دارد.
- اشیاء و زیورآلات، وسایط نقلیه و مواشی ندارد.
- دارایی‌های غیرمنقول: یک باب آپارتمان در مکروریان اول به ارزش ۱۰۰ هزار دالر و یک منزل دیگر در کارته آریانا به ارزش ۱۰ میلیون افغانی از ملکیت شخصی آقای فیروز است و ملکیت موروثی و غیرموروثی ندارد.
- عایدات: ۲۰۰ هزار افغانی معاش ماهوار از وظیفه‌ی رسمی در وزارت.
- مصرف: الف، مصارف تعلیم و آموزش سالانه: ۸۴۰۰ دالر هزینه‌ی مجموعی تعلیم و آموزش پنج فرزندش که در هند درس می‌خوانند.
- ب، مصارف امور معیشتی ماهوار: مصارف کرایه‌ی خانه، غذا، برق و مصارف متفرقه ۳۰۰۰ دالر فعالیت خارج از وظیفه‌ی رسمی، تحایف و مقروضیت ندارد.

چهلک

سخن‌داده‌ها

هر ره که تو می‌روی به ترکستان است

دوستی پشتون از من پرسیده که آیا من به‌راستی فکر می‌کنم اشرف غنی طرفدار و حامی طالبان است؟ بگذارید من بیان خود در این مورد را دقیق‌تر کنم:

به نظر من، اشرف غنی (به همان‌سان که حامد کرزی) دیدگاهی در مورد توزیع قدرت در افغانستان دارد که حاصل‌اش در شکل ابتدایی حمایت از طالبان می‌شود و در شکل پیش‌رفته پذیرش امارت اسلامی طالبان. اشرف غنی به نگاه داشتن قدرت در انحصار پشتون‌ها عمیقاً باور دارد و تاکنون این باور در همه‌ی رفتارها و تصمیم‌های او به‌روشنی بازتاب یافته است. در متن چنین باوری، اشرف غنی گمان می‌کند که ظرفیت نظامی طالبان برای اعمال خشونت و زور سرمایه‌ی مهمی برای پشتون‌هاست. به همین خاطر، به نظر او، این ظرفیت نظامی برای خشونت‌ورزی نباید در میان پشتون‌ها تضعیف یا نابود شود. اشرف غنی خواهان انتقال این ظرفیت به ساختارهای نسبتاً امروزی‌تر و مقبول‌تر سلطه‌ی قبیله‌ی است. به این معنا که او می‌خواهد طالبان با پذیرش مقداری تعدیلات و تغییرات در ساختار تشکیلاتی و مدیریتی خود رفتاری در پیش بگیرند که هم آن ظرفیت نظامی خشونت‌ورزی در میان پشتون‌ها پابرجا بماند و آسیب نبیند و هم طالبان را دیگر کسی به‌عنوان طالبان نشناسد. تلاش کرزی برای تبدیل کردن طالبان به «برادران ناراضی» نیز دقیقاً چنین چیزی بود.

این که اشرف غنی گاهی بر سر طالبان فریاد می‌کشد (البته از نشان اسمی نمی‌برد) به‌خاطر این است که او خود را منجی قوم پشتون می‌پندارد و گمان می‌کند که طالبان آن فرصت درخشان بازسازی سلطه‌ی قبیله‌ی را که با ریاست جمهوری او ممکن شده به‌درستی درک نمی‌کنند. در واقع اشرف غنی به طالبان می‌گوید: «من و شما یک چیز می‌خواهیم، من به روشی بهتر و مقبول‌تر و شما به روشی بدتر و ناپذیرفتنی‌تر. چرا نمی‌فهمید؟»

از این منظر که به قضیه نگاه کنیم، اشرف غنی طرفدار طالبان نیست، اما طرفدار هر سازمان قدرتمندی هست که بتواند به نفع سلطه‌ی انحصاری پشتون‌ها ظرفیت بالایی از خشونت‌ورزی و استفاده از زور از خود نشان بدهد. حالا که طالبان چنان سازمانی دارند، اشرف غنی سعی می‌کند طالبان را به طالبانی بهتر تبدیل کند. ولی کاملاً مشخص است که اگر اشرف غنی نتواند طالبان را اصلاح کند، همان اصلاح نشده‌ی شان را نیز بر دموکراسی و آزادی و پیشرفت کشور ترجیح می‌دهد. برای فهم این نکته فقط لازم است به رفتار اشرف غنی در این چند سال گذشته نظری بیندازید.

جواب سوال آن دوست پشتون این است: مهم نیست که اشرف غنی از لحاظ ایدئولوژیک با طالبان همسو هست یا نیست. مهم این است که حاصل نگاه سیاسی او به سازمان طالبان (به‌عنوان یک پشتونه‌ی قوی نظامی برای سلطه‌ی قبیله‌ی) ویرانی کشور و تباہ شدن شهروندان افغانستان است. اشرف غنی به هر طریقی که به ماندن و قدرت‌مند شدن طالبان کمک کند، نتیجه‌اش برای مردم افغانستان یکی است.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
شش ماهه	۳۰۰۰ افغانی
یک ساله	۵۰۰۰ افغانی

برای متعلمین و محصلین	
شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی
یک ساله	۴۰۰۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
 معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
 سردبیر: جواد ناجی
 دبیر خبر: عصمت الله سروش
 گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
 ویراستار: عمران راتب
 صفحه‌آرا: هادی دریابی
 بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
 ایمیل: dailylettilaatroz@gmail.com
 آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
 شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
 مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
 چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

دادگاه عالی اتریش نتیجهی انتخابات ریاست جمهوری را باطل کرد

اطلاعات روز: دادگاه قانون اساسی اتریش نتیجهی انتخابات این کشور را که با اختلاف کم منجر به شکست حزب «آزادی» شده بود، باطل کرد.

به نقل از بی‌بی‌سی، رای دادگاه عالی اتریش پس از آن صادر شد که حزب دست راستی تند و «آزادی» به نتیجهی انتخابات اخیر اتریش اعتراض کرد و نحوهی مدیریت آرای پستی را زیر سوال برد.

نوربرت هوفر، نامزد ریاست جمهوری از حزب آزادی انتخابات را با اختلاف اندک ۳۱ هزار رای به آلکساندر ون در پلن، رییس سابق حزب سبز باخت.

با رای دادگاه مبنی بر لغو این نتیجه، انتخابات باید مجدداً برگزار شود.

در جریان رسیدگی به شکایت حزب آزادی که دو هفته به طول انجامید، وکلای این حزب در دادگاه استدلال کردند که از میان ۱۱۷ حوزهی رای گیری در ۹۴ حوزه در زمینهی مدیریت آرا «قانون شکنی» شده است.

آن‌ها ادعا کردند که هزاران رای زودتر از آن چه در قوانین انتخابات ذکر شده باز شده و شمارش آن‌ها توسط افراد فاقد صلاحیت لازم، صورت گرفته است.

حزب آزادی همچنین ادعا کرده است که شواهدی در دست دارد مبنی بر این که بعضی از افراد زیر ۱۶ سال و خارجی‌ها بدون داشتن حق رای در این انتخابات شرکت کرده‌اند.

آقای هوفر با شعار مخالفت با اتحادیهی اروپا و ضدیت با مهاجرت خارجیان مبارزه می‌کند.

در پی صدور رای دادگاه، یک کمیتهی پارلمانی متشکل از سه نفر، از جمله آقای هوفر، به صورت موقت وظایف هاینز فیشر، رییس جمهوری کنونی را بر عهده می‌گیرند. انتخابات جدید در ماه سپتامبر یا اکتبر برگزار خواهد شد.

بازداشت ۱۱ نفر دیگر

پس از حملات انتحاری

به فرودگاه استانبول

اطلاعات روز: پولیس ترکیه ۱۱ تن از اتباع خارجی ساکن استانبول را که مظنون به عضویت به گروه داعش و ارتباط با انفجارهای انتحاری فرودگاه آتاتورک بودند، دستگیر کرد.

رویترز به نقل از وبسایت روزنامهی «خبرتورک» (HABERTURK) نوشته است عملیات پولیس توسط یک واحد ضد تروریستی، بامداد روز جمعه، در محلهی «باشاک شهر»، واقع در بخش اروپایی استانبول انجام گرفت.

پولیس ترکیه پس از انفجارهای انتحاری سه شنبه شب در فرودگاه آتاتورک استانبول تاکنون در مجموع ۲۴ نفر را در این شهر بازداشت کرده است. روز پنجشنبه ۱۰ سرطان، پولیس ترکیه ۱۳ نفر را که سه نفر از آن‌ها خارجی بودند، در استانبول بازداشت کرد. این عملیات در ۱۶ منطقهی شهر انجام شد.

روزنامهی «خبرتورک» بر اساس آخرین آماری که مقامات ترکیه ارائه داده‌اند نوشته است شمار کشته‌شدگان انفجارهای فرودگاه استانبول به ۴۴ نفر رسیده است.

حملات تروریستی به فرودگاه استانبول خونبارترین حملات تروریستی در ترکیه از آغاز سال جاری میلادی بود.

روز پنجشنبه اعلام شد که عاملان این حملات سه نفر اهل روسیه، ازبکستان و قرغزستان بودند.

یک جنگندهی ارتش سوریه در

نزدیکی دمشق سقوط کرد

اطلاعات روز: دیده‌بان حقوق بشر سوریه، یک نهاد مستقل که مقر آن در لندن است، می‌گوید یک جنگندهی ارتش سوریه در شمال شرقی دمشق سقوط کرده است.

روز جمعه رسانه‌های دولتی سوریه گزارش دادند که نقص فنی باعث سقوط هواپیما شده و جست‌وجو برای یافتن خلبان آن که با چتر نجات بیرون پریده ادامه دارد.

اما گروه جیش الاسلام، یکی از گروه‌های شورشی در سوریه، مدعی شده که این هواپیما را هدف قرار داده و ساقط کرده است اما به این که با چه سلاحی این کار را کرده اشاره نکرده است.

جیش الاسلام عکسی را نیز منتشر کرده که می‌گوید خلبان هواپیمای سرنگون شده است که حالا در دست این گروه اسیر است.

وحید وحیدالله:

کشورهای غربی تصمیم گرفته‌اند که پاکستان

تجزیه شود

که از طریق دلیل‌ها و شرط‌هایی که افغانان مطرح می‌کنند، سیاست فشار امریکا بر پاکستان افزایش می‌یابد.

مهدی منادی، استاد دانشگاه، گفته است: «طرح مشکل‌هایی که پاکستان برای ما خلق کرده است، دیپلماسی امریکا را در برابر پاکستان فعال می‌سازد.»

منادی افزوده که پاکستانی‌ها در طول چندین دهه به عنوان منبع هراس افگنی، نه تنها در افغانستان؛ بلکه کل جهان را ناامن کرده است.

به گفتهی آگاهان، تعلیق کمک‌های نظامی امریکا به پاکستان از سوی کنگرهی این کشور یکی از اقدام‌های جدی واشنگتن بر ضد اسلام‌آباد پنداشته می‌شود.

همچنان این کنگره ادامه‌ی کمک‌های نظامی به پاکستان را مشروط بر اقدام‌های عملی اسلام‌آباد بر ضد گروه‌های هراس افکن، به‌ویژه شبکه‌ی حقانی کرده است.

پیش از این زلمی خلیل‌زاد، سفیر پیشین امریکا در کابل گفته بود که امریکا باید راهبرد تازه‌یی را برای انزوای کلی پاکستان روی دست بگیرد.

خلیل‌زاد به روزنامه‌ی پی‌تی‌آی هندوستان گفته بود که پاکستان با دریافت حمایت‌های هنگفت مالی و نظامی امریکا، هنوز هم گروه‌های هراس افکن، به شمول شبکه‌ی حقانی را در افغانستان تمویل می‌کند.

اطلاعات روز: وحید وحیدالله، کارشناس ارشد سازمان ملل متحد در امور کشورهای در حال جنگ گفته است که کشورهای غربی، به‌ویژه امریکا تصمیم دارند تا پاکستان را تجزیه کنند.

این گفته در حالی مطرح می‌شود که در این اواخر انتقادهای زیادی در داخل امریکا بر ضد پاکستان ایجاد شده است.

وحید وحیدالله، به تلویزیون یک گفته است: «اداره‌ی اوباما در حالت تصمیم‌گیری است که این دست (پاکستان) را اگر قطع نکنند، خودشان از بین می‌رود.»

وحیدالله افزوده که منافع‌های غرب با هراس افگنی، مواد مخدر و افراطیت تهدید می‌شود؛ بنابراین، آنان تصمیم گرفته‌اند که هرچه زودتر پاکستان تجزیه شود و تمام شرایط برای این کار آماده است.

او همچنان گفته است که اگر پاکستان تجزیه نشود، هراس افگنی و افراطیت به تمام جهان گسترش خواهد یافت.

همزمان برخی از آگاهان باور دارند که امریکا راهبرد منزوی کردن پاکستان را روی دست گرفته است.

نصرالله ستانکزی، استاد دانشگاه کابل به تلویزیون یک گفته است: «اگر اقدام‌های خودسرانه، مداخله‌گرانه و تجاوزگرانه‌ی پاکستان در منطقه و جهان اداره شود، به نفع بشریت تمام خواهد شد.»

افزون بر این، برخی از کارشناسان باور دارند

اتحادیهی اروپا تحریم روسیه را

شش ماه دیگر تمدید کرد

اطلاعات روز: اتحادیهی اروپا روز جمعه تحریم‌های اقتصادی روسیه را تا پایان ماه جنوری ۲۰۱۷ تمدید کرد.

به نقل از رادیو زمانه، خبرگزاری فرانسه گزارش داده است این تصمیم پیش از این نیز انتظار می‌رفت. رهبران اروپایی خواستار پیشرفت بیشتری در اجرای توافق‌نامه‌ی مینسک برای پایان دادن به جنگ در شرق اوکراین هستند.

شورای اروپا در بیانیه‌ی اعلام کرده است: «با در نظر گرفتن اجرای توافق‌نامه‌ی مینسک، شورای اروپا تصمیم گرفت تحریم‌ها را دوباره به مدت شش ماه دیگر تا تاریخ ۳۱ جنوری ۲۰۱۷ تمدید کند.»

نزدیک به یک سال‌ونیم پیش رهبران

وزیر دادگستری بریتانیا دیدگاه‌های خود را

به عنوان نامزد نخست‌وزیری تشریح کرد

اطلاعات روز: پس از همه‌پرسی اخیر در بریتانیا و به دنبال آن اعلام استعفای دوید کامرون از پست نخست‌وزیری این کشور، مایکل گوو، وزیر دادگستری/ عدلیه بریتانیا که خود را نامزد رهبری حزب محافظه‌کار و مقام نخست‌وزیری این کشور کرده است.

به نقل از یورو نیوز، او روز جمعه با شرکت در یک نشست خبری مواضع خود را درباره‌ی وضعیت بریتانیا بعد از رای اکثریت بریتانیایی‌ها به خروج از اتحادیه‌ی اروپا تشریح کرد.

او گفته است: «این همه‌پرسی درباره‌ی مسئولیت‌پذیری دموکراتیک بود، درباره‌ی این اصل که سیاستمداران باید تا حد امکان به مستقیم‌ترین وجه به انتخاب‌کنندگان خود پاسخ‌گو باشند. به همین دلیل، به عقیده‌ی من، نخست‌وزیر آینده باید جانب

برندگان همه‌پرسی را بگیرد. ساده بگویم، بهترین فرد برای هدایت روند خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا کسی است که خودش مدافع خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا بوده است.»

از سوی دیگر، ترزا می، وزیر داخله‌ی بریتانیا نیز خود را نامزد رهبری حزب محافظه‌کار و کسب مقام نخست‌وزیری کرده و رقابت بین او و وزیر دادگستری پیشاپیش آغاز شده است. به دنبال همه‌پرسی اخیر، دوید کامرون که مخالف خروج این کشور از اتحادیه‌ی اروپا بود اعلام کرد که از مقام نخست‌وزیری کنار خواهد رفت.

پیشتر یوریس جانسون، شهردار سابق لندن و از رهبران «برگزیت»، امید اصلی حزب محافظه‌کار برای جایگزینی او به شمار می‌رفت.



محمد امین احمدی

نقطه پایان بر قساوت و ویران‌گری

کشتار دانش‌آموختگان پولیس توسط طالبان، تکرار مکرر قساوت و ویران‌گری‌یی است که هر روزه به نوعی دامن‌گیر مان می‌شود و اغلب

آن‌ها که توسط دهشت‌افکنان طالب انجام می‌شوند مطابق قوانین حاکم بر جنگ. مصداق جرایم و جنایت جنگی به حساب می‌آیند. همچنین می‌دانیم این یک تقدیر شوم نیست که خود ما در آن نقش نداشته باشیم و بر ما کاملاً بیرون از اراده و خواست ما - ما به عنوان مردم افغانستان - تحمیل شده باشد و به هیچ وجه توان تغییر آن را نداشته باشیم. بنابراین، پرسشی که هرکدام به سهم و نوبت خود راجع به آن فکر کنیم این است که چگونه بر این قساوت و ویران‌گری در ابعاد مختلف آن نقطه پایان بگذاریم؟

آیا نقد سران حکومت وحدت ملی و فشار آوردن بر آن یگان‌راه حل است؟ البته نقد حکومت و فشار آوردن بر آن به منظور مسئولیت‌پذیر ساختن آن لازم است. لکن پرسش این است که سرکوب متمرکز حکومت از رهگذر نقد و اعتراض می‌تواند تروریستان را وادار کند که به بی‌رحمی‌های خود خاتمه بخشد و یا این که عملاً به ابزار جنگ روانی آن‌ها علیه حکومت تبدیل می‌شود؟

آیا ترویج ادبیات نفرت می‌تواند به این خشونت خاتمه بخشد و یا این که خود زمینه ساز نفرت مضاعف شده و ایدئولوژی نفرت و خشونت طالبان، داعش و القاعده و ناسیونالیست‌های پشتون تبار را تقویت می‌کند؟

به نظر من راه‌حل احتمالی اما دشوار این است که ما بتوانیم سقوط و تباهی اخلاقی و ویران‌گری ایدئولوژی‌های یادشده را به آگاهی فراگیر تبدیل کنیم و بر محور این آگاهی علیه تروریسم، جنایات و جرایم جنگی متحد شویم و حکومت را نیز در مبارزه با این هیولا مصمم، یکدست و یک دل کنیم.

لکن پرسش این است چگونه می‌توانیم به این آگاهی دست بیابیم؟ آیا از طریق فضای مجازی می‌توانیم دایره گفت‌وگو را عام کنیم و دست کم در قدم نخست تعدادی قابل توجه از کاربران این سرزمین زیر یک سقف در فضای مجازی با هم گفت‌وگو کنند و حرمت و منطق آن را نیز نگهدارند؟



Dr. Mohammadi

تاریخ، هم عزت است هم عبرت!

۱. از تاسیس کشوری به نام افغانستان در ۱۷۴۷ تاکنون (۲۰۱۶)، دقیقاً ۲۶۹ سال می‌گذرد.

۲. افغانستان از ۱۷۴۷ تا ۱۸۸۰؛ دقیقاً ۱۳۳ سال فاقد جغرافیای معین و شناخته شده بود. در این مدت، قلمرو حکام و امرای افغان را جنگ و گریزها تعیین می‌کرد.

۳. از ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۶ مرزهای کنونی افغانستان در اثر سه معاهده مسکو، پاریس و دیورند، تعیین شد.

۴. از ۱۸۹۶ تا کنون؛ یعنی طی ۱۲۰ سال اخیر، افغانستان شاهد رویدادهای عمدتاً خونینی بوده که آثار ویران‌گری بر جای نهاده است:

- جنگ سوم افغان - انگلیس، ۱۹۰۵.
- شکل‌گیری و سرکوب نخستین جنبش مشروطه، ۱۹۰۹.
- شورش داخلی و سقوط شاه امان الله و به دنبال آن، شورش اقوام جنوب علیه حبیب‌الله کلکانی، ۱۹۲۹.
- برقراری نظام مشروطه، ۱۹۶۴.
- کودتای سفید محمد داوود علیه ظاهرشاه، ۱۳۵۲.
- کودتای خونین هفتم ثور، ۱۳۵۷.
- اشغال افغانستان توسط قوای شوروی و به دنبال آن، خیزش‌های مردمی و آغاز دوره جهاد، ۱۳۵۸.
- سقوط حکومت داکتر نجیب، تسلط مجاهدین بر کابل و آغاز جنگ‌های داخلی، ۱۳۷۱.
- ظهور طالبان در قندهار، ۱۳۷۳.
- سقوط کابل توسط طالبان و آغاز دوره سیاه، ۱۳۷۵.
- سقوط طالبان و شکل‌گیری دوره پسا بن، ۱۳۸۰.
- قصه تلخ دموکراسی و انتخابات ما هم به جای خود اما با وجود قانون اساسی و نظام به ظاهر مردمی در پانزده سال اخیر آن هم در اثر حمایت و مساعدت و حضور مستقیم کشورهای قدرتمند ناتو، هنوز هم جنگ و ویرانی و تباهی ادامه دارد.

در نتیجه، ۱۳۳ سال اول یکسره با جنگ و گریز و کشورگشایی و منازعات خونین داخلی به سر آمد. ۱۳۶ سال اخیر هم که علاوه بر سرکوب و قتل عام‌های مردم، با این رویدادهای عمدتاً ویران‌گر همراه بوده است؛ در این میان، تنها فترت زمانی نسبتاً آرام اما نه چندان مطلوب به لحاظ سیاسی، دوره چهل‌وپنج ساله حکومت محمدظاهر و محمد داوود بوده است.

پ.ن. کشوری که در طول ۲۶۹ سال عمر خود، فقط ۴۵ سال آرامش (گورستانی) داشته است!

۸ بازیکن در صف تمدید قرارداد با بارسلونا

پس از رسمی شدن تمدید قرارداد با نیمار، حالا مسئولان بارسلونا باید فکری به حال تمدید قرارداد ۸ بازیکن دیگرشان بکنند و این خود یک چالش بزرگ برای بارتمو و همکارانش محسوب می‌شود. در جولای ۲۰۱۶ به سر می‌بریم و بارسلونا مثل هر باشگاه دیگری نگاهی جدی به بازیکنانی دارد که از مدت قراردادشان یک و دو سال دیگر باقی مانده است. در این بین، قرارداد ۵ بازیکن بارسا تا ۲۰۱۸ و سه بازیکن نیز تنها تا ۳۱ جون ۲۰۱۷ اعتبار دارد و مدیران بارسا باید در مورد این که قرارداد چه بازیکنانی را تمدید کنند، تعمقی جدی به خرج دهند.

آن‌هایی که تنها یک سال دیگر با بارسلونا قرارداد دارند: ژوردی ماسیپ؛ دروازه‌بان سوم بارسا که محصول آکادمی فوتبال این باشگاه است. او تنها در بازی‌های کم اهمیت کوپا دل ری به میدان رفته و با وجود کلودیو براوو و تراشتگن، فرصتی برای عرض اندام نداشته است.

منیر الحدادی؛ دو سال پیش او را پدیده جدید بارسا می‌دانستند و حتی دل بوسکه از او برای این که به تیم ملی مراکش نرود، به تیم ملی اسپانیا دعوت به عمل آورد و یک بازی رسمی نیز برای بزرگسالان اسپانیا انجام داد. منیر به مرور نشان داد که آن مهاجمی نیست که بتواند نگرانی هواداران بارسا از بابت غیبت مسی، نیمار و سوارز را برطرف کند. منیر فصل گذشته توانست چند گول در مراحل ابتدایی کوپا دل ری به ثمر برساند و چندان در لالیگا مورد استفاده قرار نگرفت.

آدریانو؛ مدافع چپ برزیلی با لاتزیو بر سر قراردادی ۴ ساله به توافق رسیده اما بارسلونا حاضر نیست او را به عنوان بازیکن آزاد راهی تیمی دیگر کند و ۲ میلیون یورو از باشگاه ایتالیایی درخواست کرده است. تمدید قرارداد این آن‌هایی که تا ۲۰۱۸ با بارسلونا قرارداد دارند:

کلودیو براوو؛ دروازه‌بان اصلی بارسلونا در لالیگا که در کوپا دل ری و لیگ قهرمانان ذخیره تراشتگن آلمانی محسوب می‌شود. این دروازه‌بان شیلیایی، فعلاً مطمئن‌ترین فرد ممکن برای حراست از دروازه بارسلونا محسوب می‌شود اما مدیران بارسا معتقدند که آینده دروازه‌بانی این تیم متعلق به تراشتگن جوان است. باید دید سرنوشت تمدید قرارداد براوو چه خواهد شد.

ماسکرانو؛ ال جفخیتو که این اواخر ساز جدایی سر داده، ممکن است همین تابستان به یوونتوس برود. او سال ۲۰۱۸ پای به ۳۴ سالگی خواهد گذاشت و باید دید مسئولان بارسا حاضرند قرارداد وی را تمدید کنند یا خیر. ماسکرانو یکی از ارکان اصلی بارسلونای لوئیس انریکه محسوب می‌شود.

ژرمی متئو؛ مدافع چپ پای فرانسوی بارسلونا دو سال پیش از والنسیا به این تیم آمد و کم و بیش توانسته مهره موثری برای آبی‌اناری‌ها باشد. او ذخیره خوبی برای پیکه و ماسکرانو بوده و حتی در جناح چپ نیز چندین بازی به میدان رفته است. ژرمی نیز سال ۲۰۱۸ قدم به ۳۵ سالگی می‌گذارد و بعید است قراردادش تمدید شود.

اینستا؛ ستاره خط میانی بارسا و تیم ملی اسپانیا در حال حاضر ۳۲ ساله است. او چندین بار گفته است که به پایان دوران اوجش نزدیک می‌شود و تنها تا زمانی بازی خواهد کرد که بداند می‌تواند از حداکثر توانایی‌هایش در زمین استفاده کند. به طور حتم مدیران بارسا در فکر تمدید قرارداد با او هستند.

مسی؛ بدون شک مهم‌ترین چالش مدیران بارسا تمدید با مسی است. بهترین بازیکن ۸ سال اخیر بارسا و برنده ۵ توپ طلا دوست دارد به فوتبالتش در سطح اول دنیا در بارسلونا پایان دهد و سپس به ارجنتاین بازگردد. هدف مدیران بارسلونا تمدید با مسی تا ۲۰۲۲ است که در آن مقطع او ۲۵ ساله خواهد بود. بدون شک پس از خلاصی از پرونده طولانی تمدید نیمار، حالا مذاکره با مسی برای تمدید قرارداد، مهم‌ترین ماموریت بارتومئو (رئیس باشگاه) به حساب می‌آید.

آرسنال و رد پیشنهاد یووه

برای الکسیس سانچز

روزنامه دیلی میل مدعی شد که آرسنال پیشنهاد یوونتوس برای خرید الکسیس سانچز را رد کرده است. یووه از مشتریان جدی الکسیس است و حاضر است رقم خوبی در قبالتش پرداخت کند ولی آرسن ونگر نمی‌خواهد کلیدی‌ترین مهره تیمش را به سادگی از دست بدهد. سانچز که دو بار قهرمان کوپا آمریکا شده، از جام نبردن‌های

ورزش

رناتو سانچز

بهترین بازیکن یورو است

کارلو آنچلوتی، سرمربی بایرن مونیخ، معتقد است رناتو سانچز، ستاره جوان پرتگال، بهترین بازیکن رقابت‌های یورو ۲۰۱۶ تاکنون بوده است.

ساعاتی قبل از سوت شروع بازی پرتگال-لهستان که با درخشش رناتو سانچز همراه بود، کارلو آنچلوتی از او به عنوان یک پدیده یاد کرد.

جانشین گواردیولا، که امسال در بایرن، سانچز را در بین شاگردان خود خواهد داشت راجع به استعدادی که مونیخی‌ها برای انتقالش از بنفیکا ۳۵ میلیون یورو هزینه کرده‌اند، گفت: سانچز بهترین بازیکن یورو ۲۰۱۶ است. او یک پدیده است.

رناتو سانچز ۱۸ ساله، جوان‌ترین بازیکن تاریخ فوتبال پرتگال است که در یک تورنمنت مهم در ترکیب ثابت قرار گرفت.

پله: امیدوارم مسی تجدید نظر کند

پله، اسطوره فوتبال برزیل عنوان کرد که مسی باید درباره خداحافظی‌اش از تیم ملی ارجنتاین تجدید نظر کند.

مسی برای سومین سال پیاپی در سومین فینال پیاپی به همراه ارجنتاین شکست خورد و دستش از رسیدن به جام کوتاه ماند. او که مقابل شیلی یکی از پناالتهی‌ها را از دست داد، پس از پایان بازی از فوتبال ملی کناره‌گیری کرد که این تصمیم او واکنش‌های بسیاری به همراه داشت. حال پله نیز عنوان کرد که مسی باید تجدید نظر کند. او گفت: در ده سال اخیر شکی نیست که او بهترین بازیکن بوده است. اتفاقی که برای او افتاده در فوتبال طبیعی است. فقط کسی که پناالتهی را می‌زند می‌تواند آن را از دست بدهد. او خیلی ناراحت شد ولی شاید کمی بعد موضوع را فراموش کند زیرا چنین اتفاقی برای خیلی بازیکنان رخ داده است. خیلی بازیکنان بزرگ ضربه پناالتهی شان را خراب کرده‌اند. در ۱۵ سال اخیر، او به نظرم بهترین بازیکن بوده و این چیزست که اهمیت دارد. امیدوارم او به من گوش کند و تصمیمش را عوض کند.

جدایی پاتو، فالکائو و آملیا از چلسی

باشگاه چلسی تایید کرد که الکساندر پاتو، رادامل فالکائو و مارکو آملیا از جمع بازیکنان باشگاه جدا شدند. پاتو و فالکائو که با قراردادی قرضی در چلسی حضور داشتند، به باشگاه‌های کورینتیانس و موناکو بازگشتند. پاتو تنها دو بازی برای چلسی انجام داد و یک گول از روی نقطه پناالتهی مقابل استون ویلا به ثمر رساند. گیلمار ولوز، مدیربرنامه‌های پاتو تایید کرده بود که بند دائمی کردن قرارداد در قرارداد قرضی وجود دارد. با این حال به نظر می‌رسد چلسی تمایلی به این کار نداشته و فالکائو نیز که مصدومیت‌های متعددی را متحمل شد، حال به موناکو بازخواهد گشت تا ماجراجویی‌اش را در لیگ فرانسه پی‌گیری کند. مارکو آملیا نیز که به عنوان بازیکن آزاد جذب شده بود، بدون انجام یک بازی باشگاه را ترک کرد.

تمدید قرارداد نیمار با بارسلونا

تمدید قرارداد نیمار که پنج‌شنبه شب توسط خود او تایید شده بود دیروز بصورت رسمی توسط باشگاه بارسلونا اعلام شد. نیمار که سال ۲۰۱۳ به بارسا پیوسته بود و قراردادش تا ۲۰۱۸ اعتبار داشت از ابتدای فصل گذشته پیشنهاد تمدید قرارداد از سوی بارسلونا را دریافت کرد و پس از ماه‌ها سرانجام بر سر تمام مفاد با مسئولان این باشگاه به توافق رسید. قرارداد جدید ستاره برزیلی با بارسا تا ۲۰۲۱ اعتبار دارد و رقم فسخ قرارداد او در سال اول ۲۰۰ میلیون یورو، در سال دوم ۲۲۲ میلیون یورو و از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ نیز ۲۵۰ میلیون یورو در نظر گرفته شده است. رقم قبلی فسخ قرارداد او ۱۹۰ میلیون یورو بود. طبق گفته وکیل نیمار، قرارداد او با ارزش‌ترین قرارداد تاریخ فوتبال دنیاست.

رناتو:

پرتگال حرف‌هایش را در زمین می‌زند

خیلی زود و روی یک ضد حمله گول خوردیم اما به خودمان ایمان داشتیم. تیم خوب بازی کرد و کاری که می‌دانستیم باید انجام دهیم را انجام دادیم.

فکر نمی‌کنم خوش‌چانس بودیم و معتقدم چانس بدون تلاش نصیب هیچ‌کس نمی‌شود. صعود ما نتیجه کار تیمی عالی بود. پرتگال حرف‌هایش را در زمین می‌زند. حرف زدن در رسانه‌ها ساده است اما مهم این است که در زمین نشان دهید که چه توانایی‌هایی دارید.

پناالتهی‌ها: به مربی گفتیم که من دومین پناالتهی را خواهم زد. رونالدو اولین نفر بود و من چون اعتماد به نفس بالایی داشتم، خواستم که دومی را بزنم.

گیگز: فان‌خال

برای هدایت انگلیس مناسب است

رایان گیگز، اسطوره باشگاه منچستریونایتد که در حال حاضر به عنوان کارشناس در شبکه ITV فعالیت می‌کند، عنوان کرد که لوئیس فان‌خال گزینه مناسبی برای هدایت تیم ملی انگلیس است. ناکامی فان‌خال در منچستریونایتد در نهایت باعث اخراج او پس از دو فصل شد. درگیری‌های شدید او با مطبوعات، چهره نه چندان محبوبی از او در انگلیس ساخته بود حتی هواداران یونایتد نیز او را مربی مورد علاقه شان نمی‌دیدند. حال که هاجسون از تیم ملی انگلیس کناره‌گیری کرده، بحث بر سر

سرمربی بعدی بسیار داغ است که گیگز که در این دو فصل دستیار فان‌خال بود، در اولین روز کاری‌اش به عنوان کارشناس، با یک نظر جنجالی کارش را شروع کرد. او در پاسخ به این که کدام گزینه‌ها برای هدایت تیم ملی انگلیس مناسب هستند گفت: هادل، ونابلز، سر الکس فرگوسن و لوئیس فان‌خال. این اظهار نظر گیگز با واکنش‌های تمسخرآمیز از سوی رسانه‌ها و روزنامه‌ها و همچنین کاربران شبکه‌های اجتماعی روبرو شده که نشان از منفوریت فان‌خال در انگلیس دارد.

نولیتو به سیتی پیوست

باشگاه منچستر سیتی پیوستن نولیتو به جمع بازیکنانش را تایید کرد. مهاجم ۲۹ ساله که ۳ فصل در سلتاویگو توپ زد، با قراردادی ۴ ساله به جمع سیتی‌زن‌ها اضافه شد و به دومین خرید گواردیولا در سیتی پس از گوندوگان تبدیل شد. او در این رابطه گفت: تمام تلاشم را انجام خواهم داد. هر آن‌چه مربی از من بخواهد را انجام خواهم داد و سعی می‌کنم بهترین را از من می‌گیرد.

ویرا: با حضور زلاتان،

منچستر پایتخت فوتبال است

وقت گذرانده‌ایم. هنوز با هم در ارتباط هستیم و برای هم احترام ویژه‌ی قائلیم. چیزی که در مورد او واقعاً می‌پسندم شخصیتش است. او یک برنده است، کسی که می‌تواند تیم را رو به جلو حرکت دهد و یک خرید خیلی خوب برای منچستریونایتد است. امروز صحبت با او صحبت کردم و او گفت که تصمیم گرفته به منچستریونایتد برود و ایمان دارد که این تصمیم خوبی برای اوست. البته برایش آرزوی موفقیت می‌کنم و عملکرد او را دنبال خواهم کرد. به دو مربی نگاه کنید، به زلاتان نگاه کنید، به آگوئرو، سیلوا و رونی. فکر می‌کنم منچستر حالا پایتخت فوتبال است.

حاتم بن عرفا به PSG پیوست

بن عرفا روز پنج‌شنبه هفته گذشته در تست‌های پزشکی پاری سن ژرمن شرکت کرده بود و توانست آن‌ها را با موفقیت طی کند. باشگاه پاری سن ژرمن دیروز در توئیتر خود اعلام کرد که با بن عرفا بر

سر قراردادی دو ساله به توافق رسیده و این بازیکن را تا ۲۰۱۸ به خدمت گرفته است. بن عرفا از لستر، لیون و سویا نیز پیشنهاداتی داشت اما در نهایت ترجیح داد به پاری سن ژرمن بپیوندد.



ام تی ان رابطه، نامحدود و رایگان صحبت نمایند ام تی ان افراد و جامعه را با هم وصل می نماید

با پیشکش جدید ام تی ان رابطه، هر روز از تماس های نامحدود و رایگان از ام تی ان به ام تی ان فقط در بدل ۲۰ افغانی مستفید شده و در هر جایکه هستید با دوستان نزدیک خویش در تماس باشید. برای اشتراك #۸۰۰*۱* را دایل نمایید.

این پیشکش در ولایات ذیل قابل استفاده میباشد:

ارزگان، بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، پنجشیر، پکتیکا، تخار، جوزجان، دایکندی، زابل، سرپل، غزنی، غور، فراه، فاریاب، کاپیسا، کنر، کندز، کندهار، لغمان، لوگر، نیمروز، وردگ، هرات و هلمند.



با شما در همه جا



به دست هم داده و شورای انکشافی قریه شانرا ایجاد کردند. اعضای شورای انکشافی که متشکل از زنان ومردان قریه میباشد، با درک اولویت اساسی قریه شان که همانا دسترسی به آب صحتی بود، همه باهم متفق شدند پلان اعمار یک شبکه آبرسانی را در سطح قریه مورد بحث قرار دادند. پروژه مذکور، پس از سپری شدن مراحل سروی و ارزیابی دقیق، با صرف هزینه مجموعی (۱۱۱۱۱۱۲) افغانی که مبلغ (۱۰۰۰۰۰۰) افغانی آن از بودجه برنامه همبستگی ملی و مبلغ (۱۱۱۱۱۲) افغانی سهم مردم میباشد، عملاً تکمیل گردید که اکنون مورد استفاده اهالی قرار دارد. قابل یادآوریست که به تعداد (۴۳۷) تن از مجموعی (۱۰۰) فامیل این قریه از مزایای آب صحتی آشامیدنی آن در نزدیک خانه های خویش مستفید میشوند.

لازم به یاد آوریست که اخیراً با راه اندازی پروژه حفظ ومراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا وانکشاف دهات زیر چتر برنامه ملی ایجاد کار برای صلح در اکثر ولایات کشور ما، از یکسو بخاطر تداوم پروژه های مذکور روند ترمیم وبازسازی پروژه های ترمیم طلب آغاز گردیده واز جانب دیگر، برای روستاییانی که در این پروژه ها به کار گماشته میشوند، یک مقدار پول به عنوان معاش پرداخته میشود که در تقویت بنیه اقتصادی روستا نشینان ما تأثیر قابل ملاحظه یی را نیز بجا گذاشته است.

تلاش برای آب

آب، مایه زندگی است وتلاش برای رسیدن به آن، درحقیقت، تلاش برای تداوم زیستن است. روی همین اصل است که برنامه همبستگی ملی وزارت احیا وانکشاف دهات درکنار تطبیق هزاران پروژه عام المنفعه مورد نیاز مردم روستا ها، زمینه را برای دسترسی آنان به آب آشامیدنی صحتی فراهم کرده است. این برنامه ملی انکشافی تاحال توانسته است به تعداد بیشتر از (۲۱۶۷۴) پروژه آب آشامیدنی صحتی و شبکه های آبرسانی را در اکثر روستای های کشور تطبیق ومورد بهره برداری ده نشینان ما قرار دهد که این امر موجب شده است تا مردم قریه های ما با استفاده از آب صحتی، از گزند امراض میکروبی نجات یابند و مانند سایر هموطنان ما، بتوانند زندگی مرفه وسالم را دنبال نمایند. قریه «غال منا» مربوط ولسوالی دولت یارولایت غور، از زمره همان روستاهایی است که درسالهای های گذشته آب آشامیدنی نداشت وهر فامیل بخصوص خانمها از دریا توسط مرکب ویابه سرخود آب می آوردند وآنهم آبی که از نظر صحتی مناسب نبوده وهمیشه، اطفال وکهنسالان را به امراض میکروبی، مبتلا میساخت. همچنان هر روز زنان واطفال قریه، برای آوردن آب آشامیدنی مجبور بودند فاصله (۳) کیلومتری را تا منبع آب آشامیدنی که همانا دریای هریرود بود، طی نمایند. بخصوص در فصل زمستان مشکل حمل ونقل آب از دریا به خانه های روستاییان خیلی بادشواری مواجه میشد. محمداویوب یکی از باشندگان این قریه میگوید: «من با یک حادثه بیهایت غمناک و تکانهنده مواجه شده ام که اکنون باگذشت چندین سال از آن حادثه، بازهم اشک درچشمانم حلقه می زند. وی میگوید، درسال (۱۳۸۵) دودخترم بنام های سکینه ونجیبه (سکینه ۱۱ ساله ونجیبه ۸ ساله) برای آوردن آب به سمت دریا رفته بودند ولی متأسفانه درحین پرکردن بشکه های آب، یکی شان به دریا افتاد و دیگرش که به کمک خواهرخود شتافت، او نیز به دریا افتاد وجان شیرینش را باخت. بعد از گذشت چندین ساعت افراد دیگری که از قریه جهت بردن آب رفته بودند، اجساد بی جان کودکانم را یافته و به قریه آوردند. غم از دست دادن آنها برای همیشه درقلبم مانند زخمی التیام ناپذیر، باقی است.»

«بی بی جان» یکی از زنان این قریه میگوید:

«درروزهای بارنده گی زمستان، مشکلات زیادی را متحمل میشدیم. درروستای ما عرف چنان است که آب را باید زنان به سری خود به خانه بیاورند، زیرا اگر مردان اینکار را انجام دهند، عمل مذکور نزد اهالی قریه عیب بزرگ بوده و آنان را با الفاظ نامناسب، مورد طعنه وتمسخر قرار میدهند. بناً آگاهی درزمستان، هوا آنقدر تاریک میشد که هم دیگر خودرا دیده نمیتوانستیم و مجبور بودیم مانند حیوانات با کشیدن صداهای خاص، احساس یکجا بودن و یا نزدیک بودن را به یکدیگر خود بدهیم.»

خوشبختانه زمانیکه برنامه همبستگی ملی در ولسوالی دولت یار آغاز شد، مردم قریه غال منا دست